

بسم الله الرحمن الرحيم

تحليل زبان شناختی تمثيلات پروين اعتصامی

به وسیله ی:

محسن یارمحمدی

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت‌های تحصیلی لازم برای اخذ درجه کارشناسی ارشد

در رشته ی:

آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان

از دانشگاه شیراز

شیراز

جمهوری اسلامی ایران

ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: خوب

دکتر مرتضی یمینی، استادیار بخش زبان های خارجی و زبان شناسی (رئیس کمیته)

دکتر لطف اله یارمحمدی، استاد بخش زبان های خارجی و زبان شناسی

دکتر عبدالمهدی ریاضی، دانشیار بخش زبان های خارجی و زبان شناسی

مهر ۱۳۷۹

۴۲۱۹۲

۴۲۱۹۲

کمیته علمی و پژوهشی
دانشگاه شیراز

سپاسگزاری

در ابتدا لازم می دانم تا از زحمات تمامی اساتیدم در طول دوران تحصیل در دانشگاه شیراز کمال تشکر را بنمایم.

هر چند کلمات توان به تصویر کشیدن زحمات بی دریغ اساتید گرامی ام : جناب آقای دکتر یمینی (در سمت رئیس کمیته) جناب آقای دکتر یارمحمدی و جناب آقای دکتر ریاضی را ندارند، اما لازم می بینم که مراتب سپاسگزاری خویش را نسبت به صبر ، متانت و راهنمایی های گرانبهائی ایشان در نگارش این پایان نامه، ابراز نمایم.

در پایان لازم است تا از پدر و مادر خویش که اولین معلمین زندگی من بودند و در راه تحصیل و علم آموزی ام از هیچ کوشش و تلاشی فرو گذار نکردند و همچنین از همسرم که همواره چون یک دوست در کنارم بوده است، تشکر و قدردانی نمایم.

۲۱۹۳

چکیده

تحلیل زبانشناختی تمثیلات پروین اعتصامی

به وسیله‌ی:

محسن یارمحمدی

هدف از انجام این تحقیق تحلیل زبانشناختی تمثیلات پروین اعتصامی بود. برای نیل به این هدف سعی شد تا در دو حوزه خرد و کلان بررسیهای لازم انجام شود. در حوزه خرد از الگوی فب (۱۹۹۷) در حیطه زبانشناسی صورتگرایاری گرفته شد و در سطح کلان از الگوی هلیدی (۱۹۸۵) در حیطه زبانشناسی نقش گرا استفاده شد. از مجموع ۱۳۷ تمثیل موجود در دیوان پروین اعتصامی جمع آوری شده توسط منوچهر مظفریان (۱۳۶۲)، ۵۰ تمثیل که شامل ۱۱۹۷ بیت می‌شد، انتخاب و تجزیه و تحلیل گردید.

تمثیلات انتخاب شده بر طبق الگوی آغازگر - بیانگر هلیدی (۱۹۸۵) در سطح کلان مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا هر تمثیل جداگانه بررسی شد و بافتار هر کدام با توجه به روابطی که میان آغازگرها و بیانگرهای ابیات وجود داشت مشخص گردید. از این تجزیه و تحلیل ابیات طرحهایی در زمینه ساختارهای آغازگری ابیات بدست آمد که نشان می‌داد شاعر نیت ذهنی خود را به طور معمول در قالب یک گفتگوی یک نفره توضیح داده و تفسیر می‌نماید. اکثر تمثیلات دارای دو آغازگر اصلی مرتبط با دو شخصیت بودند و بیشتر ابیات به عنوان بیانگر در حول و حوش این آغازگرها قرار می‌گرفتند. آغازگرهایی هم بودند که به عنوان نقاط منفصل در بین دو آغازگر اصلی قرار داشتند.

در سطح خرد نیز سعی شد تا در ابتدا بندهای گسترش طولی از بندهای گسترش عرضی متمایز گردند و بعد از آن به بررسی ویژگی تداوم و عدم تداوم شخصیتها و موقعیتها در بندها پرداخته شد.

در بررسیهای انجام شده مشخص گشت که تمثیلات به سه بخش تقسیم می گردند:
بخش اول که اعظم تمثیلات را شامل می شود آنهایی هستند که دارای دو شخصیت می باشند.
تداوم شخصیت اول در این تمثیلات با ورود شخصیت دوم پایان می گیرد. موقعیت ها اعم از
زمانی، مکانی و اشیاء دچار تداوم یا عدم تداوم نمی شوند و صرفا وسیله ای در جهت توصیف
تداوم یا عدم تداوم شخصیت ها می باشند.
بخش دوم تمثیلاتی هستند که فقط دارای یک شخصیت اند و این شخصیت در طول
تمثیل با استفاده از موقعیت های زمانی، مکانی و اشیاء تداوم می یابد.
دسته سوم تمثیلاتی هستند که همانند بخش اول دارای دو شخصیت اند اما ویژگی
تداوم و عدم تداوم بین دو شخصیت مرتبا در طول تمثیل عوض می شود.
در هر دو حوزه خرد و کلان نتایجی بدست آمد که ما را در یافتن خصوصیات سبکی
اثر یاری نمود.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	سپاسگزاری
	چکیده
	فهرست جداول
	فهرست نمودارها
۱	فصل اول: مقدمه
۱	۱-۱- کلیات
۴	۲-۱- هدف تحقیق
۴	۳-۱- حوزه تحقیق
۵	۴-۱- اهمیت تحقیق
۶	۵-۱- اجزاء رساله
۷	فصل دوم: پیشینه تحقیق
۷	۱-۲- مقدمه
	۲-۲- بررسی تجزیه و تحلیل متن در سطح کلان بر اساس دیدگاه هلیدی-
۷	زبان‌شناسی نقش گرا
۱۱	۳-۲- بررسی نقشهای زبان
۱۲	۱-۳-۲- نقش بیانی
۱۲	۲-۳-۲- نقش اطلاع‌رسانی یا خبری
۱۳	۳-۳-۲- نقش ندایی
۱۳	۴-۳-۲- نقش زیبایی‌شناختی
۱۴	۵-۳-۲- ادبی
	۴-۲- بررسی و تجزیه و تحلیل متون در سطح خرد بر اساس دیدگاه فب -
۱۴	زبان‌شناسی صورت گرا
	۵-۲- بررسی پیشینه مطالعات زبان‌شناختی در حوزه ادبی و غیر ادبی

۱۷	فارسی
۱۷	۲-۵-۱- تحلیل زبانشناختی متون فارسی به طور عام.
۱۹	۲-۵-۲- تحلیل زبانشناختی متون ادبی فارسی
۲۲	فصل سوم: روش تحقیق
۲۲	۳-۱- مقدمه
۲۲	۳-۲- داده‌های تحقیق.
۲۳	۳-۳- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح کلان
۲۸	۳-۴- شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح خرد
۳۵	فصل چهارم: یافته‌های تحقیق
۳۵	۴-۱- مقدمه
	۴-۲- تجزیه و تحلیل ابیات در سطح کلان - الگوی هلیدی (۱۹۸۵)
۳۵	(رویکرد نقش‌گرایی)
	۴-۳- تجزیه و تحلیل ابیات در سطح خرد - الگوی فب (۱۹۹۷) (رویکرد
۳۶	صورت‌گرایی)
۴۳	فصل پنجم: بحث و نتیجه‌گیری
۴۳	۵-۱- مقدمه
۴۳	۵-۲- خلاصه فصول پیشین
۴۴	۵-۳- نتیجه‌گیری
۴۷	۵-۴- پیشنهادات.
۴۸	پیوست شماره ۱: فهرست پاره‌ای از تمثیلات
۸۵	پیوست شماره ۲: فهرست ۴ نمونه از تمثیلات تجزیه و تحلیل شده
۹۴	پیوست شماره ۳: فهرست نام تمثیلات طرح‌های تداومی و عدم تداومی
۹۷	منابع فارسی
۹۸	منابع انگلیسی
	چکیده و عنوان به زبان انگلیسی

فهرست جداول

صفحه	عنوان و شماره
۳۷	جدول شماره ۴-۱- (نوع و واحد گسترش ابیات و بندها)
۳۷	جدول شماره ۴-۲- (جایگاه افعال در بندهای گسترش طولی)
۳۷	جدول شماره ۴-۳- (جایگاه افعال در بندهای گسترش عرضی)
۳۸	جدول شماره ۴-۴- (ویژگی تعدی-عامل تعداد شرکت کنندگان)
۳۸	جدول شماره ۴-۵- (نوع شخصیت های دخیل در هر تمثیل)
۴۲	جدول شماره ۴-۶- (تعداد و درصد تمثیلات از حیث تداوم و عدم تداوم)

فهرست نمودارها

صفحه	عنوان
۲۴	طرح ۳-۱- الگوی هلیدی در زمینه تقسیم بندی بندها
۳۶	طرح ۴-۱- الگوی آغازگری-بیانگری در تمثیلات پروین اعتصامی
۴۰	طرح ۴-۲- چگونگی تداوم و عدم تداوم شخصیت ها و موقعیت ها در بخش اول تمثیلات پروین اعتصامی.
۴۱	طرح ۴-۳- چگونگی تداوم و عدم تداوم شخصیت ها و موقعیت ها در بخش دوم تمثیلات پروین اعتصامی
۴۲	طرح ۴-۴- چگونگی تداوم و عدم تداوم شخصیت ها و موقعیت ها در بخش سوم تمثیلات پروین اعتصامی

فصل اول

مقدمه

۱-۱. کلیات

بررسی آثار ادبی بر مبنای اصول و نظریه های زبانشناسی سبب پیدایش حوزه ای گشته است که در آن نقد ادبی با سبک شناسی ادبی در کنار تحلیل یا سبک شناسی زبان شناختی قرار می گیرد. آنچه این دو مقوله را به هم مرتبط می سازد، حوزه ای است که زبان شناسی ادبی نامیده می شود. اصطلاح زبان شناسی ادبی نخستین بار توسط فب (۱۹۹۷) مطرح شد و اصطلاحاتی چون نقد زبان شناختی و سبک شناسی زبان شناختی نیز توسط فالر (۱۹۷۷) و کارتر (۱۹۸۲) به کار برده شد. پاره ای از آثار ادبی کلاسیک و معاصر در گفتمان گونه های مختلف با کمک دانش زبان شناسی بحث و تحلیل گردیده است. برای مثال تجزیه و تحلیل گفتمانی و متنی غزلیات عاشقانه سعدی توسط شهبازی (۱۳۷۸) از این دسته می باشد. در بررسی سیر زبان شناسی در حیطه ادبیات با دو نوع شیوه پژوهش مواجه می شویم: یکی زمانی که منتقد ادبی با استفاده از دانش زبان شناختی به بررسی و تحلیل اثر می پردازد و دیگری زمانی که زبانشناس با دانش زبانشناسی خود به واکاوی یک اثر ادبی می پردازد. در حالت اول می توان از لویی اسپیتزر (نقل شده در انکوئیست، ۱۹۷۳) نام برد. وی با استفاده از عامل زبانی به تحلیل ادبی می پرداخت ولی شیوه اش با تایید همگان روبرو نشد زیرا نتوانست شیوه ای علمی برای کار خود ارائه دهد. در واقع تاکید وی بر شم زبانی خواننده بود. در حالت دوم میتوان به مطالعات فالر (۱۹۷۷)، و کارتر (۱۹۸۲) اشاره کرد. در این حالت محقق سعی

آنطور که خانزاده امیری (۱۳۷۹) می گوید: در کاربرد زبان‌شناختی در ادبیات، شاید بتوان فردینان دو سوسور را جزء نخستین زبان‌شناسانی دانست که در این راه قدم برداشته است. تا پیش از طرح نظریات سوسور، پژوهش‌های زبان‌شناختی بیشتر با رویکردی تاریخی صورت می گرفت. این پژوهش‌ها مجموع فعالیت‌هایی بود که بیشتر به بازسازی زبان‌های قدیمی می پرداخت و به تفسیر زبان در طول زمان توجه داشت. سوسور اولین کسی بود که با ارائه دو نوع شیوه مطالعه سبب ایجاد تحولی در سیر مطالعات زبان‌شناختی گردید. وی اظهار داشت زبان را نه تنها از نظر تحولاتی که در طول تاریخ یافته است می توان مطالعه کرد بلکه در زمان معینی نیز می توان خصوصیات زبان را مورد بررسی قرار داد. وی برای مطالعات دسته اول مطالعه در زمانی و برای نوع دوم مطالعه هم زمانی را قائل شد. سوسور واضح اصطلاحات کلیدی در زبان‌شناسی بود. این اصطلاحات بعدها تمامی مکاتب متاخر را تحت تاثیر قرار دادند. سوسور زبان را یک نظام می دانست که در آن تمامی اجزا در ارتباط متقابل با یکدیگرند. وی قائل به دو اصطلاح زبان (Langue) و گفتار (Parole) بود که به ترتیب به نظام زبانی (Language-System) و رفتار زبانی (Language-Behaviour) اشاره داشتند. از نظر سوسور گفتار استفاده فردی از زبان همچون یک واقعیت اجتماعی (Social Fact) میان همه افراد یک جامعه زبانی مشترک است. خانزاده در ادامه اینگونه توضیح می دهد که: رویکرد سوسور به زبان‌شناسی یک رویکرد جامعه‌شناختی بود. در واقع زبان‌شناسی را شاخه‌ای از جامعه‌شناسی می دانست. حال این که زبان‌شناس متاخر او، چامسکی، توانش زبانی (Linguistic Competence) را دانش ناخودآگاه افراد بشر از زبان جامعه زبانی خود دانسته، این قابلیت را توان ذهنی افراد بشر قلمداد می کرد و زبان‌شناسی را در حوزه زوان‌شناسی قرار می داد. بر اساس نظریات سوسور ارتباطات درونی میان اجزای زبان روی دو محور هم‌نشینی و جانشینی قابل بررسی بود. روابط هم‌نشینی به تسلسل اجزا روی محور زنجیری و روابط جانشینی روی محور عمودی به بررسی نظام مقایسه‌ای اجزا با مقوله‌ای اطلاق می شد. آنچه سوسور صورت (Form) می نامید، در فلسفه توسط فن هومبولت شکل درونی زبان خوانده می شد و در تحلیل‌های ادبی توسط فرمالیست‌های روسی در تقابل با محتوا قرار می

گرفت. همان طور که ملاحظه می شود این مفهوم کمی گمراه کننده است. با این حال می توان با سوسور هم صدا شد و زبان را یک ساختار در نظر گرفت.

پاره‌ای از زبان‌شناسان چک و صورت‌نگرایان روس رویکرد سوسور را اتخاذ نموده و به عنوان الگویی در مطالعاتشان بکار بردند که از آن میان می‌توانیم به موکارفسکی (۱۹۳۲) و هاورانک (۱۹۳۲) نقل شده در صفوی (۱۳۷۳) اشاره نماییم. هاورانک فرایند برجسته‌سازی زبان را در مقابل فرایند خود کاری زبان مورد توجه قرار داد. موکارفسکی هم با توجه به مسئله برجسته‌سازی، آن را به عنوان انحراف هنری از مؤلفه های دستوری زبان هنجار معرفی نمود. یاکوبسن (به نقل از خوزان و پاینده، ۱۳۶۹) توجه دقیقتری را به نقش ادبی زبان یا توجه به فرایند برجسته‌سازی، معطوف داشت و بر این نکته تأکید می‌ورزید که برجسته‌سازی زمانی تحقق می‌یابد که به هنگام ایجاد ارتباط، جهت‌گیری پیام به سوی خود پیام باشد. (خوزان و پاینده، ۱۳۶۹)

در این میان زبان‌شناسانی هم بودند که سعی داشتند از طریق تحلیل گفتمان به توصیف سبک ادبی بپردازند (صفوی، ۱۳۷۳). به اعتقاد این گروه، هرگونه تغییر در گفتمان به تغییر در سبک منجر خواهد شد و تغییر در سبک هم بایستی در ارتباط مستقیم با گفتمانی مورد بررسی قرار گیرد که چارچوب آن سبک را می‌سازد (کارتر، ۱۹۹۰).

در بررسی هایی که در زمینه تحلیل گفتمانی ادبیات صورت پذیرفته است، مشخص می‌گردد که اولین آرا در این زمینه از سوی پرات (۱۹۷۷) ارائه شده است. پرات (۱۹۷۷) به نقل از صفوی (۱۳۷۳) معتقد است که نمی‌توان ادبیات را به طور مطلق محصولی از نقش ادبی زبان دانست و در همین راستا نقش ادبی زبان را در تقابل با دیگر نقش‌های زبان قرار داد. به عقیده او برای تحلیل ادبیات بایستی آن را به عنوان فعالیتی زبانی و وابسته به بافت موقعیتی اش مورد بررسی قرار داد.

از میان دیگر معتقدین به تحلیل گفتمانی ادبیات، بایستی به فالر (۱۹۷۷) نیز اشاره نمائیم. او در مقاله ای تحت عنوان "ادبیات به منزله گفتمان" با مورد توجه قرار دادن نظریه کاربردی زبان هلیدی سه کارکرد را برای زبان مطرح می‌سازد که عبارتند از: کارکرد

اندیشگانی (Ideational)، بینا فردی (Interpersonal) و بین متنی (Intertextual). به عقیده او کارکرد اندیشگانی بیانگر جهان بینی گوینده است. کارکرد بینا فردی نیز مشخص کننده نوع شیوه ای است که گوینده از طریق آن با مخاطب یا مخاطبان خود ارتباط برقرار می نماید. کارکرد آخر یعنی کارکرد متنی مربوط به شکل واحد ارتباطی در زمینه موقعیتی آن است. به این معنی که از طریق کارکرد متنی می توان مشخص نمود که آنچه بیان شده است در شرائط گفتمانی خاص خود چه معنایی دارد. (خوزان و پاینده، ۱۳۶۹)

۱-۲. هدف تحقیق:

هدف از تحقیق حاضر تحلیل زبانشناختی تمثیلات پروین اعتصامی بر اساس دو رویکرد نقش گرای (در سطح کلان) و صورتگرایی (در سطح خرد) می باشد. چهارچوب نظری پژوهش حاضر برگرفته از نظریه دستوری هلیدی (۱۹۸۵) در سطح کلان در مشرب نقش گرای و فب (۱۹۹۷) در سطح خرد در مشرب صورتگرایی است. این تحقیق بر آن است تا از طریق چنین تجزیه و تحلیلی در حد امکان به بررسی ویژگی های گفتمانی و بافت کلان تمثیلات پروین اعتصامی که نشانگر چهار چوب فکری و ذهنی او می باشد دست یابد. همچنین سعی شده است با تجزیه و تحلیل این تمثیلات شیوه هایی را که او برای سازمان دادن چهارچوب فکری خود به کار گرفته است توصیف نماییم یعنی به توضیح جنبه هایی از ساخت خرد تمثیلات بپردازیم.

۱-۳. حوزه تحقیق:

پروین اعتصامی با شخصیت انسانی دادن (personification) به اشیاء، موجودات و چیزهای مجرد که حاصل تخیل شاعرانه اوست، سعی می کند تا مقصود و معنایی که در ذهن خویش دارد را در قالبی تمثیلی بیان نماید. نمونه های زیر این موضوع را بیشتر روشن می نماید:

به کرم پیله شنیدم که طعنه زد حلزون
که کار کردن بی مزه، عمر باختن است (تمثیل کارگاه حریر)
ز حيله بر در موشی نشست گربه و گفت
که چه دشمنی از بهر حرص و آز کنیم (تمثیل فریب و آشتی)
شکایت کرد روزی دیده با دل
که کار من شد از جور تو مشکل (تمثیل دیده و دل)
گنجشک خرد گفت سحر با کبوتری
کاخر تو هم برون کن از این آشیان سری (تمثیل حدیث مهر)
در آنساعت که چشم روز می خفت
شنیدم ذره با خفاش می گفت (تمثیل ذره با خفاش)

از مجموع حدوداً ۱۳۷ تمثیل پروین اعتصامی در این تحقیق ۵۰ تمثیل به روش نمونه
گیری تصادفی انتخاب و سپس طی دو مرحله در دو سطح کلان و خرد با استفاده از نظریه
های هلیدی (۱۹۸۵) و فب (۱۹۹۷) بافتار تمثیلات و برخی ویژگیهای آن در سطح بند
(Clause) مشخص گردید.

۱-۴. اهمیت تحقیق:

در حوزه تحلیل گفتمانی متون ادبی فارسی بویژه متون ادبی کلاسیک می توان به
مواردی چون مقاله یار محمدی (۱۳۷۴) در زمینه رباعیات خیام، پایان نامه شهبازی (۱۳۷۷)
در زمینه غزلیات سعدی، پایان نامه خانزاده امیری (۱۳۷۹) در زمینه منطق الطیر عطار اشاره
نمود. صفوی (۱۳۷۳) نیز با نوشتن کتابی با عنوان "از زبانشناسی تا ادبیات" سعی نموده است تا
به بررسی کاربرد زبانشناسی در ادبیات بپردازد. این تحقیق میتواند ادامه راهی باشد که در این
زمینه آغاز شده است. به نظر می رسد تمامی مطالعات مذکور مبین تاثیر زبانشناسی بر ادبیات
از جهت یافتن قالبی علمی و تجربی برای تعبیرات ادبی است. مطالعاتی از این دست می تواند
محققین ادبی را در یافتن قالبهای ملموس جهت تعبیرات ادبی خود یاری نموده و گامی باشد
در جهت دستیابی به ویژگیهای بافتاری گفتمان گونه های مختلف ادبی. چنانچه این مطالعات

به طور نظام مند بر روی آثار مختلف ادب فارسی در دوره های مختلف یا آثار شعرای دوره خاصی انجام گیرد در سبک شناسی آثار ادبی می تواند سودمند واقع گردد.

۱-۵. اجزاء رساله :

رساله تحقیقی حاضر در قالب پنج فصل ارائه شده است:

فصل اول: مقدمه

در این فصل مطالعات زبانشناختی ادبی و تاثیر علم زبانشناسی در بررسی آثار ادبی به اجمال مطرح گردیده است. هدف تحقیق، حوزه و اهمیت تحقیق مشخص و بخشهای مختلف رساله معرفی گردیده است.

فصل دوم: پیشینه تحقیق

در این فصل به بررسی تحقیقات انجام گرفته در زمینه مطالعه زبانشناختی متون ادبی و غیر ادبی فارسی پرداخته شده و در ادامه با نگاهی بر نقشهای زبان توضیحی در مورد زبان شناسی نقش گرا و صورت گرا داده شده و دو دیدگاه هلیدی (۱۹۸۵) و فب (۱۹۹۷) مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل سوم: روش تحقیق

در این فصل سعی شده تا به تبیین روشی که برای انجام این تحقیق به کار گرفته شده است پرداخته شود و در ادامه سعی گردیده تا شیوه ای که جهت تقسیم بندی داده ها به اجزای قابل بررسی به کار گرفته شده، مورد بررسی قرار گیرد.

فصل چهارم: یافته های تحقیق

در این فصل یافته ها و شواهد گرد آوری شده در دو سطح خرد و کلان جهت تبیین هدف تحقیق ارائه شده است.

فصل پنجم: نتایج و پیشنهادات

در این فصل سعی گردیده تا در ابتدا خلاصه ای از تحقیق و مباحث مطرح شده ارائه گردد و سپس نتایج حاصله مورد بحث و بررسی قرار گیرد.